

واکاوی تاثیر اساتید بر شخصیت فلسفی - کلامی آیت‌الله جوادی آملی (با تأکید بر کلام‌سیاسی)

علی آقاجانی *

چکیده

آیت‌الله عبدالله جوادی آملی دارای جامعیت نسبی در دین‌شناسی و نیز در پردازش مسایل کلام‌سیاسی است. وی دارای آثار متنوع و متکثر در اضلاع مختلف علم دینی از جمله حیطه‌های کلامی - سیاسی است که وی را شخصیتی شاخص ساخته است. مقاله بر پایه چارچوب روش هرمنوتیک قصد‌گرای اسکینر با دخل و تصرفاتی به واکاوی تاثیرات اساتید بر شخصیت علمی آیت‌الله جوادی آملی (با تأکید بر کلام‌سیاسی) به عنوان مقوله‌ای ذهنی‌سینی می‌پردازد. بر این پایه سوال اصلی آن است که تاثیر اساتید و آموزگاران بر شخصیت علمی آیت‌الله جوادی آملی (با تأکید بر کلام‌سیاسی) چیست؟ فرضیه بر این مبنا استوار است که اساتید و آموزگاران در آمل، تهران و قم تاثیر اساسی در شکل‌گیری شخصیت علمی آیت‌الله جوادی آملی به‌ویژه در کلام‌سیاسی داشته و در تکوین اندیشه‌های وی سهم مهمی ایفا نموده است. سیرت شخصی اساتیدش بر سیرت شخصی او بازتابی جدی داشته است. در میان اساتید آیت‌الله جوادی آملی، علامه طباطبائی و محمدتقی آملی آن‌گونه که در کلام وی هویداست بیشترین تاثیر علمی و شخصیتی همه‌جانبه و جامع بر وی داشته‌اند. الهی‌قمشه‌ای جوانه‌های گرایش به تفسیر قرآن را در وی پرورانده است. شعرانی گرایش‌اتش به کلام را تقویت کرده است. فاضل‌تونی فلسفه‌ورزی را در وجود او شعله‌ور ساخته است. امام‌خمینی علاوه بر اصول‌فقه، در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی و سیاسی

* استادیار گروه علوم سیاسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، پژوهشکده علوم اجتماعی، قم، ایران. (aqajani@rihu.ac.ir)

(تاریخ دریافت: ۱۳/۱۲/۱۴۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۰۴/۰۲/۱۴۰۴)

□ علی آقاجانی (۱۴۰۴). واکاوی تاثیر اساتید بر شخصیت فلسفی - کلامی آیت‌الله جوادی آملی (با تأکید بر کلام‌سیاسی)، فصلنامه

حکمت / سراء، ۱ (۴۸)، ۱۴۹ - ۱۸۲ | doi: 10.22034/isra.2025.510299.2069

برون‌گرای او موثر است. محقق‌داماد قوام فقهی او را برمی‌سازد و میرزاهاشم آملی آن را ورز می‌دهد. علامه طباطبایی توانان هم شاگردنکر جمعی و هم درس‌نگر فلسفی است که هم شاگردپرور است و هم بینش خود را در عمق وجود آنان مستولی می‌سازد.

کلیدواژه‌ها

جوادی آملی، شخصیت علمی، اساتید موثر در آمل - تهران - قم، کلام سیاسی، هرمنوتیک اسکینر.



مقدمه

آیت‌الله عبدالله جوادی‌آملی از اندیشمندان معاصری است که در بسیاری از حیطه‌های مختلف علوم انسانی - اسلامی صاحب سخن و نظر بوده و از جمله در حوزه آموزه‌های کلامی - سیاسی آثار و آرای متنوع و ژرفی دارد که شایسته و بایسته تحلیل و بررسی و نقد در جهت بالندگی دانش به‌ویژه در حوزه دانش سیاسی اسلامی است. از دیگر سو کلام سیاسی که از حیث دانشی همچنان تکامل نیافته و در مراحل ظهور و تکوین است از حوزه‌های اصلی اندیشه سیاسی در اسلام است که بسیاری از موضوعات اساسی فکری را به لحاظ تاریخی و اندیشه‌ای پوشش می‌دهد. بر این اساس پژوهش، آیت‌الله جوادی‌آملی را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان فعال کلام سیاسی که دیدگاه‌های مهم و تاثیرگذاری ارایه داده است برگزیده و چگونگی تکوین شخصیت و اندیشه‌های علمی وی (به‌ویژه در کلام سیاسی) را کاویده است.

شخصیت آیت‌الله جوادی‌آملی و کلام سیاسی متخذ از او از چند جهت حایز اهمیت است. جامعیت نسبی در دین‌شناسی، آثار متنوع و متکثر و در اضلاع مختلف کلامی سیاسی، ورود در سیاست عملی و نظری در قواره عالم دینی و حوزوی، زنده بودن و گذراندن دوران حیات پربار خود، فقیه متضلع و دارای فقه اکبر که بخش مهمی از آن مباحث کلامی سیاسی است. وی دارای آثار متعدد در زمینه‌های گوناگون است و از جمله در مسایل مختلف کلام سیاسی آثار کمی و کیفی بسیار خوبی دارد. از این رو پرداختن به شخصیت علمی و ابعاد تاثیرگذاری اساتید بر آن (به ویژه در کلام سیاسی) اهمیت فزون‌تری می‌یابد.

بر این اساس تحقیق بر پایه چارچوب نظری هرمنوتیک قصد‌گرای اسکینر با دخل و تصرفاتی به واکاوی تاثیرات اساتید بر شخصیت علمی آیت‌الله جوادی‌آملی (با تاکید

بر کلام سیاسی) می‌پردازد. بر این پایه سوال اصلی آن است که تاثیر اساتید و آموزگاران بر شخصیت علمی آیت‌الله جوادی آملی (با تاکید بر کلام سیاسی) چیست؟ فرضیه بر این مبنا استوار است که اساتید و آموزگاران در آمل، تهران و قم تاثیر اساسی در شکل‌گیری شخصیت علمی آیت‌الله جوادی آملی به ویژه در کلام سیاسی داشته و در تکوین اندیشه‌های وی سهم مهمی ایفا نموده است.

پیشینه تحقیق

درباره موضوع تحقیق به عنوان تاثیر اساتید و آموزگاران بر شخصیت علمی آیت‌الله جوادی آملی تا کنون اثر علمی نگاشته نشده است و این پژوهش نخستین اثر با این عنوان و محتواست. گرچه به جز مصاحبه‌ها و مکتوبات آیت‌الله جوادی آملی مانند مهر استاد (جوادی آملی، ۱۳۸۷) که منبع تحقیق است و نمی‌توان پیشینه محسوب کرد؛ برخی اثرواره‌ها و بیوگرافی‌های کوتاه در مجلات و سایت‌ها را می‌توان به عنوان پیشینه زندگینامه‌ای در نظر گرفت (مدرسی، ۱۳۸۷؛ wikipedia.org/wiki:۱۳۸۷؛ عبدالله_جوادی_آملی، ویکی فقه [/wikifeqh.ir](http://wikifeqh.ir)؛ عبدالله_جوادی_آملی، ویکی شیعه، دانشنامه اسلامی [/wiki.ahlolbait.com](http://wiki.ahlolbait.com)؛ عبدالله_جوادی_آملی، فرهیختگان تمدن شیعی، javadi.esra.ir زندگینامه - آیت‌الله - جوادی - آملی)، گرچه عام و کلی اند.

اما درباره تاثیرات علمی و رفتاری اساتید بر شخصیت شاگردان آثار مختلفی موجود است. مانند تاثیر خودشناسی معلم بر کیفیت آموزش و پرورش (آقائی، ۱۴۰۲)، تاثیر سیرت نیکوی استادان و مؤلفه‌های آن بر انگیزش تحصیلی دانشجویان (نجفی، ۱۳۹۴)، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن (رفیعی، ۱۳۷۷) و برخی آثار دیگر (غلامی، ۱۴۰۲؛ روین، ۱۳۹۲؛ حسن زاده، ۱۳۹۳؛ شولتز، ۱۳۹۳؛ فیست، ۱۳۹۲؛ گلشادی، ۱۴۰۲؛ الهامی، ۱۴۰۱؛ Peterson & Seligman, 2004) که قابل تامل است. بر این اساس تفاوت این پژوهش با سایر پژوهش‌ها در پردازش علمی، گزینش هدفمند و روش مندی و تمرکز بر کلام و کلام سیاسی است.

۱. چارچوب نظری؛ هرمنوتیک قصدگرای اسکینر

پژوهش از بخشی از روش هرمنوتیک کوئنتین اسکینر (متولد ۱۹۴۰) که روشی معتدل نسبت به متن محوری و زمینه‌محوری است با گزینش دخل و تصرفاتی برای تحلیل مساله بهره می‌برد. متغیر مستقل این تحقیق آن است که محیط فکری، ذهنی، علمی و اجتماعی متکلم سیاسی و میزان آشنایی او با دانش‌های گوناگون در فهم وی از کلام سیاسی فی‌الجمله موثر است. پایه‌های فکری این نظر را می‌توان در مباحث مربوط به علم هرمنوتیک جستجو نمود. از هرمنوتیک تعاریف مختلفی ارایه شده است (بلخاری،

۱۳۷۱، پالمر، ۱۳۷۷، بلاشیر، ۱۳۸۰؛ واعظی، ۱۳۸۳: ۲۷).

استفاده از روش اسکینر هم در پژوهش‌های اندیشه در تاریخ گذشته امکان دارد و هم در زمان حال و اندیشمندان یا تفکرات امروزی. در برخی مقالات نیز برخی موضوعات اندیشه آیت‌الله جوادی‌آملی بر اساس روش اسکینر بررسی شده است (عباس تبار، ذراع‌پور نقیعی، ۱۳۹۸). اسکینر در باب شناخت اندیشه سیاسی به دو نکته توجه می‌کند (اسکینر، ۱۳۹۳ جاوید، ۱۳۹۳): نخست این که متفکر چه معنایی در ذهن دارد. که این کار معمولاً با مطالعه نوشته‌ها یا بیانات مولف میسر است. نکته دوم کشف و دانستن منظوری است که اندیشمند از نوشتن مدنظر داشته است. اسکینر در این مرحله از بحث هرمنوتیک استفاده کرده است. به اعتقاد او برای فهم قصد مولف بایستی به مباحث، مجادلات و پرسش‌هایی که در زمان آن متفکر و در آن فضا مطرح بوده است، مشارکت متفکر در آن فضا و تلاش او برای گفتن سخنی در آن فضا توجه کرد. بنابراین باید بر فضای حاکم بر آن عصر و جریانات فکری رخ داده در زمان مولف آشنا بود.

بر این اساس در میان روش‌های گوناگون هرمنوتیکی، روش اسکینر روشی اعتدالی مابین متن محوری و زمینه‌محوری و در ردیف روش‌های هرمنوتیکی مؤلف‌محور قرار

دارد؛ در این روند، تفسیر هر متن اساساً با فرایند قرائتش متفاوت است و برای رسیدن به معنای متن لازم است به فراتر یا فروتر از سطح ادبی متن برویم و در پس آن، انگیزه ها و نیات مؤلف و زمینه اجتماعی و زبانی نگارش متن را جست‌وجو کنیم. در این روش، درک صائب از مقوله‌هایی همچون محیط زندگی، فضای سیاسی، زبان، زمینه فکری و از سوی دیگر، آثار و تألیفات فرد مورد نظر در تبیین اندیشه وی، هم‌زمان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

این روش در چهار مرحله کلی ۱. تأثیر زمینه‌های عینی ۲. تأثیر زمینه‌های ذهنی ۳. هنجارهای مرسوم و ۴. نحوه تصرف اندیشمند در هنجارها را دربر می‌گیرد. در این روش، تکیه اصلی بر کشف نیت مؤلف است و زمینه اجتماعی متن در روشن شدن انگیزه مؤلف مؤثر است نه کشف نیت او. در این مقاله ما نه با تمام روش اسکینر بلکه با مرحله نخست یعنی تأثیر زمینه‌های عینی مواجهیم و از آن به مثابه چارچوب نظری الهام و بهره می‌گیریم. شاید هم بتوان آن را ذهنی - عینی انگاشت. در این مقاله تأثیر اساتید و آموزگاران مهم در شکل‌گیری فضای ذهنی و شخصیت علمی آیت‌الله جوادی آملی به‌ویژه اندیشه‌های کلامی سیاسی واکاوی می‌شود.

۲. واکاوی نظری تأثیرات شخصیت استاد بر شخصیت شاگردان

تمامی مکاتب فلسفی و نظام‌های تربیتی از گذشته تا به حال استاد را به عنوان یکی از ارکان مهم نظام‌های تعلیم و تربیت شناخته و بر جایگاه بی‌بدیل و تأثیر شگرف شخصیت او بر فرایند تربیت اتفاق نظر داشته و نقش استاد را فراتر از سایر ارکان در شکل‌گیری ساختارهای ذهنی عاطفی، اجتماعی و حتی جسمانی افراد دانسته‌اند (روین، ۱۳۹۲: ۶۵؛ حسن

زاده رمضان ۱۳۹۳: ۷۸؛ شولتز ۱۳۹۳: ۳۳؛ فیست ۱۳۹۲: ۸۹؛ بارکر و کوی، ۲۰۰۳: ۷۷. Peterson, 2004: 90).

شخصیت اصطلاحی روان‌شناسانه است که در رفتار آدمی تبلور و تعین می‌یابد و

برآیندی است از خصوصیات بدنی، نحوه تفکر، ایده آل‌ها، علائق، استعدادها، خلیات و چگونگی سازگاری فرد با محیط و طرز برخورد با دیگران، در حقیقت شخصیت عبارت است از خصوصیتی که در یک طرح یا کل وحدت پیدا کرده و در رفتار فرد ظاهر می‌گردد (شریعتمداری، ۱۳۸۵: ۴۸۴). از این رو شخصیت استاد نیز در رفتار وی تحلیل می‌یابد. از نظر روانشناسی خلق و خو جنبه‌ای از شخصیت نسبتاً پایدار انسان از لحاظ اخلاقی و اجتماعی است (پی‌تسو، ۲۰۰۸: ۷۹) شخصیت عبارت است از آنچه فرد به دنیای بیرون نشان می‌دهد؛ در حالی که سیرت به معنای خود واقعی فرد در دنیای درون است (ساریز و همکاران، ۲۰۰۶). که به نحو دقیق‌تر و مشخص‌تری در آنچه سیرت فرد نامیده می‌شود متبلور می‌گردد. سیرت آن چیزی است که در فرد وجود دارد، هنگامی که هیچ کس به او نگاه نمی‌کند. سیرت چیزی است که فرد هنگام خلوتی و تاریکی شب در مورد خود فکر می‌کند (هارد، ۲۰۰۸: ۶۴) سیرت، «خود درونی فرد» در عمل است (Maxwell، 562005). سیرت دیرک اصلی خیمه رهبری است (Zenger, 2004: 64). سیرت انجام کار درست به رغم فشار بیرونی مخالف برای انجام نشدن آن است (ساریز و همکاران، ۲۰۰۶؛ لیکونا، ۱۹۹۱) و غالباً در راستای ارزشهای مذهبی است (پیتسو، ۲۰۰۳: ۶۷). برخی سیرت را جمع ویژگیهای اخلاقی فرد دانسته‌اند (برودی و سیگل، ۲۰۰۱: ۳۵).

ابن سحنون (۱۵۱-۱۰۹ق) به عنوان یک نظریه پرداز مسلمان در یکی از آثار خود به نام آداب المعلمین اشاره دارد که از مهمترین وظایف معلم این است که با شخصیت خود دانش آموزان را با مسایل اخلاقی آشنا و آنها را نصیحت و ارشاد کند و مراقب باشد تا به انحرافات اخلاقی و کج رفتاری دچار نشوند (رفیعی، ۱۳۷۷: ۷). برهان الدین زرنوجی، از متفکران مسلمان قرن ششم هجری، آراستگی باطن، عزت نفس و دوری از اخلاق و رفتار ناپسند استاد را مطرح می‌نماید (شهیدی، ۱۳۷: ۱۹۱۷). برخی، شاخص های سیرت را

هفت عامل صداقت، شجاعت، تواضع، شوخ طبعی، حکمت، شور و اشتیاق و غمخواری در نظر گرفته اند (Harder, 2008: 32).

اساتید در روش ها و ابعاد شخصیتی متفاوت اند. برخی شاگردنگر و پاره ای درس نگر محسوب می شوند. در روش اساتید شاگردنگر آن چه مورد توجه جدی قرار می گیرد استعداد و رشد تمام عیار شاگردان و انتقال علم و تربیت بدان هاست. اینان به دو زیرگروه شاگردنگر فردی و شاگردنگر جمعی تقسیم می شوند (سلیقه دار، ۲۰/۰۳/۱۳۹۹؛ حسینی، ۱۳۹۵: ۷۵؛ دهدار، ۱۳۹۵؛ ۵۶؛ سیستانی زاده، ۱۳۹۶).

استادانی که شاگردنگر فردی اند با شناسایی خصوصیات، عواطف و احساسات تک تک شاگردان و برقراری ارتباط ویژه و غیر رسمی با هریک سعی در تعلیم و پرورش آن ها مطابق با ویژگی های اختصاصی دارند. این در حالی است که در روش شاگردنگر جمعی رویکرد تقویت دانش عمومی شاگردان در فرایند تعلیم مورد توجه است نه عواطف شخصی. از این رو رفتاری رسمی تر داشته و کم تر درگیر احساسات و خصوصیت های خاص متعلمان می شود (حاجی زاد، ۱۳۹۰: ۶۶).

در سوی دیگر اساتید درس نگر قرار دارند که به دو طیف درس نگر علمی و درس نگر فلسفی قابل تقسیم است. برای درس نگران پرورش شاگرد در اولویت نیست بلکه القای درس و انتقال دانش دارای اهمیت است. گروه درس نگر علمی تمرکز بر دانش خاص داشته و با افزودن بر اطلاعات خود در آن حیطه علمی و افزایش روزآمدی و کارآمدی در آن عرصه تلاش می کنند شاگردان را هم علاقه مند و هم توانمند سازند. اینان به جهت وسعت اطلاعات تخصصی بر شاگردان تاثیر گذارند (یوسفی، ۱۳۸۹).

اما در نگرش و رسته اساتیدی که درس نگر فلسفی اند از آن جا که در کلاسشان به مسائل گریبان گیر جامعه در ابعاد فلسفی - اجتماعی پرداخته می شود بر شاگردان تاثیر

گذارند این دسته اساتید معمولاً بیانی گرم، ادبیاتی فاخر و کلاسی گیرا دارند و با شخصیت مبرزی که از خود بروز می دهند مورد اقبال شاگردان اند (یوسفی، ۱۳۸۹).

۳. بررسی چگونگی تاثیرات اساتید بر شخصیت علمی آیت‌الله جوادی‌آملی

آیت‌الله جوادی‌آملی در طی سالیان در مراکز تحصیلی تحت تعلیم و تربیت آموزگاران بزرگی قرار گرفته است که در گرایش‌های علمی و اجتماعی او موثر بوده‌اند.



نمودار: آموزگاران شاخص تأثیرگذار بر کلام سیاسی آیت‌الله جوادی‌آملی

ذکر مختصری از احوال آن‌ها و دامنه و رسته تاثیر گذاری آنان بر جوادی‌آملی به ویژه در ارتباط با جوانب موضوع پژوهش امری ضرور و مفید است.

الف) اساتید آمل

وی در آمل توسط پدر نزد دو تن از بزرگان روحانی آمل آیت‌الله ابوالقاسم فرسیو و آیت‌الله غروی رفته و دروس طلبگی را در آمل آغاز نمود. این دو از برجستگان علمی و

اخلاقی و از شاگردان آخوند خراسانی - صاحب کفایه - و فارغ التحصیل حوزه علمیه نجف بودند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ب: ۲۳). اولین درس فراگرفته آیت الله جوادی آملی از مرحوم فرسیو درس امثله و شرح امثله با طلیعه اول العلم معرفة الجبار و آخر العلم تفویض الامر الیه بود که بنابه روایت ایشان تاثیر عمیقی در وی گذاشته و «آن چنان این جمله را معنا کردند که هنوز مدیون سروش غیبی آن بزرگ استاد هستم، و هنوز شیرینی آن را در ذائقه ام احساس می کنم، او هاتفی بود که صدای دلنواز و دلپذیرش هم چنان برای ما جاذبه دارد و در بناگوشمان هست» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ب: ۲۴).

سرآغاز جدی موانست آیت الله جوادی آملی با تفسیر و قرآن و کلام و علوم عقلی از حوزه آمل و به ویژه در در محضر آقاضیاء آملی است. آیت الله حاج آقا ضیاء الدین آملی (۱۳۶۱-۱۲۸۳ ه ش)، فرزند آیت الله حاج محمد تقی آملی از علمای وارسته و مجتهدان معاصر است. وی در تهران دیده به جهان گشود. وی در نجف از محضر حضرات آیات سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا حسین نایینی، حاج آقا ضیاء الدین عراقی، میرزا ابوالحسن مشکینی و شیخ محمد کاظم شیرازی بهره برده و به درجه اجتهاد رسید. حاج آقا ضیاء الدین آملی در آمل و مصر به نشر معارف اسلامی می پرداخت. و حافظ قرآن بود و هیچ آیه و حدیثی نبود که از او پرسیده شود مگر آنکه خود به قرائت ابتدا و انتهای آن می پرداخت. تشکیل جلسات خصوصی و تدریس حدیث و تفسیر و حفظ قرآن، از ابتکارات آیت الله آقاضیاء آملی (۱۳۶۱-۱۲۸۳ ش) بود. او که خود حافظ قرآن بود اولین کسی بود که سنت های حسنه را در حوزه علمیه آمل پایه ریزی کرد و در روزهای تعطیل آن ها را تدریس می کرد و به ویژه حفظ سوره هود و آموختن درس تفسیر قرآن را به طور جدی پی می گرفت زیرا معتقد بود که علوم رایج حوزوی، تا زمانی که با قرآن و حدیث، رابطه تنگاتنگ نداشته باشد، انسان از آن طرفی نمی بندد. بر این اساس، هنگامی که آیت الله جوادی آملی برای ادامه

تحصیل به تهران هجرت کرد شوق تفسیر و فراگیری حدیث در او به طور فزاینده‌ای مشهود بود (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۳۸). آیت‌الله جوادی‌آملی سال پنجم حضور در آمل را به توصیه آفاضیاء آملی در مدرسه مسجد امام حسن عسکری سکونت می‌یابد که از آن به جهت معنویت سرشارش بسیار تمجید کرده و می‌ستاید (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۳۹). علاقه خاص به علوم عقلی نیز در همین دوران در پی نشست مشترک اساتید و رجال علمی حوزه آمل و تصویب تدریس علوم عقلی در کنار علوم نقلی در وی پدید آمد.

ب) اساتید تهران

۱. آیت‌الله محمدتقی آملی (۱۲۶۵-۱۳۴۹ ش)

محمدتقی آملی، از شاگردان آقا ضیاءالدین عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی و میرزای نایینی و میرزا علی آقای قاضی است (ر.ک: محمودیان، ۱۳۹۹. خلیلی، ۱۳۹۱؛ حسن‌زاده، ۱۳۸۰. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۵. عابدی، ۱۳۸۰). وی مدت ۴۰ سال در تهران به تدریس و ترویج علوم دینی اشتغال ورزید و سال‌ها در مسجد «مجد» به اقامه نماز جماعت و تبلیغات اسلامی پرداخت. وی پس از سال‌ها تلاش و کوشش توانست به عنوان یکی از علمای طراز اول جهان اسلام به شمار آید. وی آنگاه که امام خمینی مبارزه خویش را علیه دولت پهلوی آغاز کرد، از او حمایت کرده و پس از تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، ایشان از جمله شخصیت‌هایی بود که اعلامیه‌ای صادر کرد و از عموم مردم خواست که در مجلس دعایی که در مسجد عزیزالله تشکیل می‌گردد شرکت کنند.

آیت‌الله جوادی‌آملی وی را شیخنا الأستاذ، حکیمی توانمند و فقیهی قوی (جوادی‌آملی، ۱۳۷۶، ج. ۳-۱: ۳۸۳) و در علم و عمل کامل (جوادی‌آملی، ۱۳۸۶: ۲۲۷) معرفی نموده و درباره شخصیت او می‌گوید: «استاد شرح مفصلی بر «عروة الوثقی» نگاشته است به نام «مصباح الهدی فی شرح العروه الوثقی» چاپ شده است؛ زمانی که ایشان کاغذ های شرح عروه

را به ما می دادند تا پاک نویس و تنظیم کنیم، دیدیم بالای همه صفحات، بلا استثناء نوشته است: «یا مهدی! ادرکنی» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ب: ۷۴).

آیت الله جوادی آملی در بدو ورود به تهران همراه پدر نزد این عالم که همشهری و هم طایفه آنان بود و پدرش را می شناخت رفته و جوادی جوان تحت حمایت و هدایت وی قرار می گیرد و او را به حاج محمد باقر آشتیانی مصدّی مدرسه «مروی» که آن روز، بهترین مدرسه تهران بود معرفی می کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ب: ۵۴) جوادی آملی درباره ارتباطات و زمان و نحوه شرکت در درس استادش می گوید:

با این که ارتباط ما با مرحوم شیخ محمدتقی آملی (رضی)، قبل از این که به صورت رسمی شرکت منظم در درس های ایشان باشد، به شکل های گوناگون برقرار بود و ایشان مشکلات و شبهات علمی و عقلی ما را حل می کردند؛ ولی شرکت ما در درس های خارج فقه و اصول ایشان، زمانی بود که سطوح عالی؛ یعنی رسائل، مکاسب و کفایتین به اتمام رسید. چون مرحوم آقای آملی یک فقه و یک اصول تدریس می کردند. متن درس فقه ایشان، شرح عروه از کتاب طهارت بود؛ و کتاب شریف مصباح الهدی فی شرح عروة الوثقی (از کتاب های ایشان) تازه به صورت دست نویس تهیه شده بود و بعدها پس از تدریس، به چاپ رساندند» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ب: ۷۴).

برخی از تاثیرات یا استفاده های آیت الله جوادی آملی از وی عبارتند از: تبیین معدوم مطلق و احکام مربوط به آن و مجهول ماندن نهایی مسأله (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ج. ۱-۴: ۲۶۱)، ریشه داشتن برخی تأویلات تطبیقی در روایات معصومان علیهم السلام مانند تاویل از کنیه ابوالقاسم (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۲۷-۲۲۶)؛ این که در مثل معدوم مطلق و یا مجهول مطلق به دو فرض نیاز است: اول: فرض منطقه عدم و ظلمتکده نیستی و دوم: فرض مجهول ها و معدوم های فراوان - و نه فرض وجود مصداق - در آن منطقه. در مثل (لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلَهُةٌ إِلَّا اللَّهُ

لَفَسَدَتَا) نیز در منطقه مفروض عدم، فرض وجود چند آله و خداوند می‌شود، و البته در فرض وجود، آثار هر يك از آنها که مقتضای ذات آنها بوده، ظاهر می‌گردد و در این حال اختلال و فساد نظام لازم می‌آید (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ج. ۱-۴: ۵۳۱).

۲. آیت‌الله میرزا حسین فاضل تونی (۱۲۵۹-۱۳۳۹)

میرزا حسین فاضل تونی (رک: حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۵ش؛ خوانساری، ۱۳۴۱). مجتهد، ادیب و مدرّس حکمت و عرفان است. محمدحسین تونی در سال ۱۲۹۸ق در تون از توابع فردوس در خراسان جنوبی، متولد شد. وی در تون، مشهد، اصفهان و تهران به تحصیل پرداخت و در درس ادیب نیشابوری، جهانگیرخان قشقایی، آخوند فشارکی و میرزا هاشم اشکوری حاضر می‌شد. او آثاری در کلام، فلسفه، حکمت و عرفان نوشته است. شهرت او بیشتر در علوم معقول است. او در ۱۳ بهمن ۱۳۳۹ش در تهران درگذشت و در قبرستان شیخان قم دفن شد. بسیاری از استادان تونی فضل و توانایی او گواهی داده‌اند (خوانساری، ۱۳۴۱: ۵۲). آیت‌الله بروجردی در نامه‌ای، وی را «عمادالعلماء المتألهین» خطاب کرده بود (خوانساری، ۱۳۴۱: ۵۲). محمدعلی فروغی در مقدمه ترجمه فنون سماع طبعی (فروغی، ۱۳۶۶، ج. ۱: ۳)، علی‌اکبر دهخدا ذیل مدخل ابن سینا و مرتضی مطهری در مقدمه کتاب التّحصيل، بر جلالت قدر و احاطه و دقت نظر و خدمت او به علم و حکمت اشاره کرده‌اند (خوانساری، ۱۳۴۱، ص. ۵۳).

آیت‌الله جوادی آملی در ۳۳ جا از آثارش به ویژه در کتاب‌های مهر استاد و سرچشمه اندیشه با تفصیل از وی به نیکویی نام برده و وی را ادیب یگانه و حکیم فرزانه می‌نامد (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۵۹) و از آزاداندیشی، قلم روان و شیوا (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۸۵) و مهارت در حکمت و عرفان و ادبیات (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۸۷) تمجید نموده و وی را به عنوان استاد متضلع و جامع و کمیاب و گمنام، حکیم متأله (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ج. ۲-۵: ۱۴۵) عماد الحكماء

المتألهين (جوادی آملی، ۱۳۸۷ الف، ج. ۱: ۲۸۹) ستایش می کند. وی که فاضل تونی را قوی در حکمت مشاء و آشنا با فنون عرفان می خواند، خاطره‌ای از او درباره شدت مخالفت با عرفان در حوزه اصفهان به نحوی که شرح قیصری بر فصوص محی الدین عربی را در سفره غذا مخفی می کرده تا دیده نشود، نقل می کند (جوادی آملی ۱۳۸۳: ۸۷).

آیت الله جوادی آملی در مواضعی با نقل یا تایید مطالبی از وی تأثیرات تونی بر خود را نشان می دهد. مانند این که بهترین هدیه عبد، بندگی، عجز، مسکنت، ابتهال و تضرع اوست که مولا آن را ندارد و این نداشتن هم برای او کمال است. (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج. ۹: ۳۹۴) یا آن که خواجه نصیر حکیم بوده است؛ نه متکلم و سر نوشتن کتاب تجرید الاعتقاد اثبات ولایت امیرمؤمنان، ع و فرزندان او است زیرا فلسفه، بحث کلی نبوت و امامت را دارد؛ اما عهده دار بحث مصداقی امامت نیست (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج. ۱۰: ۶۰۶؛ ۱۳۷۹، ج. ۱۸: ۳۴۴). حکم را از سنخ تصدیق دانستن. زیرا حکم ایجاد است و ایجاد در حریم تصدیق است (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ج. ۲-۲: ۹۷) تأثیر دیگر قلمداد کردن افلاطون و ارسطو از پرورش یافتگان مکتب انبیا است (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۱۴۶) زیرا قرآن کریم در آیاتی مانند «منهم أمة مقتصدة و ليسوا سواء من أهل الكتاب أمة قائمة يتلون آيات الله» از آنان به عظمت یاد می کند (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۲۷۱).

۳. آیت الله ابوالحسن شعرانی (۱۲۸۱-۱۳۵۲)

میرزا ابوالحسن شعرانی یکی از مهم ترین آموزگاران و تأثیرگذاران بر استاد آیت الله جوادی آملی است. او در علوم قرآن، حدیث، فقه، اصول فقه، کلام، فلسفه، هندسه و هیئت تحصیل نمود و چند اثر در این رشته‌ها از وی باقی مانده است (قاسمی خویی، ۱۳۸۲: ۱۳۹۹؛ خسروپناه، ۱۳۹۰؛ قوامی واعظ فقهی، ۱۳۸۰؛ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۶). آیت الله جوادی آملی در معرفی او عناوین علامه ذوالفنون (سایت فرهیختگان تمدن شیعی، عبدالله جوادی آملی). استاد

جامع فنون (جوادی آملی، ۱۳۷۶ ج ۲-۳: ۱۴۸) استاد علامه (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۷۹، ج ۳: ۱۹۱)، شیخنا الاستاد (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ج ۱-۵: ۹۲) را به کار می‌برد

شعرانی علاوه بر مهارت کافی در فقه و اصول و تفسیر و حدیث و فلسفه و ریاضی و عرفان و کلام و...، با چندین زبان غیر از فارسی و عربی مانند فرانسه، ترکی، انگلیسی و عبری آشنا بود. آثار کلامی وی عبارتند از شرح تجرید الاعتقاد، حاشیه بر فصل الخطاب فی عدم تحریف الكتاب، «راه سعادت» در اثبات نبوت و ردّ شبهات یهود و نصاری، ترجمه کتاب «الامام علی صوت العدالة الانسانیة» از جرج جرداق با انتقاداتی از آن، تعلیقاتی بر کتاب «محمد پیامبر و سیاستمدار» نوشته مونتگمری وات.

آیت‌الله جوادی آملی که بخشی از شرح منظومه حکیم سبزواری و طبیعیات اشارات ابن سینا و نیز مقداری از امور عامه اسفار ملا صدرا و شرح چغمینی و مقداری از مقدمه زیج بهادری را پیش وی خوانده است در ۶۵ جا از وی نام برده است و درباره علامه شعرانی چنین می‌گوید:

«مرحوم آقای شعرانی در طبیعیات خیلی ماهر بود. ایشان مثالهایی را هم که ذکر می‌کند یا هندسی است و یا طبیعی و یا طبعی و مانند آن. اگرچه ممکن است مثال در اصل آن بحث نقش نداشته باشد، ولی وقتی طلبه می‌بیند که این مثال را استاد خوب بیان نکرد آن حسن قبول را درباره گفته‌های استاد از دست می‌دهد و احياناً بعضی از این ظرافت‌هاست که از راه مثل می‌تواند مشکل ممثل را حل بکند. نوع مثالهایی که دیگران به کمک يك مسئله ساده القا می‌کردند، مرحوم بو علی با مسائل طبیعی و ریاضی و امثال ذلك القا می‌کرد. مرحوم آقای شعرانی در این بخش‌ها خیلی مسلط و قوی بود. لذا طبیعیات اشارات را حضور ایشان خواندیم. مرحوم آقای شعرانی در ریاضیات هم خیلی مسلط بودند و علاقه شدیدی هم به ریاضیات و طبیعیات داشتند و این درس‌ها را باید حتما مطالعه می‌کردند و می‌گفتند، ولی برای آن درس‌ها اگر توفیق مطالعه هم

پیدا نمی‌کردند باز مسلط بودند. فکر، فکر ریاضی و طبیعی بود... (جوادی آملی ۱۳۶۴: ۵).

تأثیرات شعرانی بر آیت‌الله جوادی آملی قابل توجه است که از نقل قوال و تاییدات او قابل برداشت است. مانند مباحث مربوط به قبله که در معرکه آرای مختلف، آیت‌الله جوادی آملی به نقل و ارجاع تایید آمیز شعرانی در مورد مسائلی چون محور تکلیف عمومی قرار دادن مسئله قبله باوجود فنی و دقیق بودن آن (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج. ۷: ۳۹۹-۳۹۸) بیت‌المقدس قبله رسمی مسلمانان و روکردن پیامبر به کعبه تشریفاً و تأدباً (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج. ۷: ۴۰۸) پرداخته است.

همچنین دیدگاه‌های شعرانی پیرامون معانی مختلف اشکال فاعلی و مفعولی واژه مسیح (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج. ۱۴: ۲۸۵)، مساوی بودن نسبت طبیعت به ترقی و تنزل و ثبات بر اساس قَالُمُدَّبَرَتِ أَمْرًا (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج. ۱۷: ۱۷۲) ستودن ارسطو به عنوان عالم الهی (جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ۱۳۸۳، ج. ۳: ۱۷۸) دیدن خدا با چشم برای قومش مقصود از رؤیت مورد درخواست حضرت موسی علیه السلام (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۲۶۵)، استناد به روایات مذمت کلام و متکلمین در پاسخ مخالفان فلسفه و عرفان (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ج. ۱-۵: ۹۲)، ارائه تحلیل جامع از ادله بطلان تسلسل (جوادی آملی ۱۳۷۶، ج. ۲-۳: ۱۴۸)، دفاع از ملاصدرا و نفی نسبت انتحال به وی (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ج. ۲-۵: ۴۴۵)، عدم تأثیر اصل حدوث در برهان (جوادی آملی ۱۳۷۶، ج. ۲-۵: ۴۹۱)، وجود اصل شجره طوبا در خانه امیرالمومنین علیه السلام (جوادی آملی ۱۳۸۴، ج. ۱: ۲۷۳)، دفاع از ابن عربی با مدسوس مغشوش یا دارای منظور دیگر خواندن کلمات و جملات. (جوادی آملی، سرچشمه اندیشه ۱۳۸۶، ج. ۳: ۴۲۹)، توضیح قاعده لطف و تبیین آثار آن بر وجود امام معصوم علیه السلام و اشاره به بعضی از آثار عزت دین در زمان امام غیر معصوم (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج. ۴: ۳۸۹)

۴. آیت‌الله مهدی الهی قمشه‌ای (۱۲۸۰-۱۳۵۲)

محیی‌الدین مهدی الهی قمشه‌ای فقیه، فیلسوف، عارف، حکیم، شاعر، و مترجم قرآن،

مقدمات علوم فقه و اصول و حکمت را از محمد هادی فرزانه قمشه‌ای و دیگران آموخت. در اصفهان از اساتیدی چون محمد حکیم خراسانی و سپس در خراسان از حکیم مشهدی و میرزا حسین فقیه سبزواری و اسدالله یزدی استفاده کرد. وی مدتی هم در حوزه درس سید حسین طباطبائی قمی و مهدی اصفهانی حاضر شد. پس از آن به تهران برگشت و در مدرسه عالی سپهسالار به تدریس حکمت و فلسفه پرداخت. وی استاد زبان عربی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و استاد فلسفه در دانشکده الهیات (معقول و منقول) بود و پس از مرگ پیکرش در وادی السلام قم به خاک سپرده شد.

آیت‌الله جوادی‌آملی که بخشی از شرح منظومه و نیز الهیات و بخش عرفان شرح اشارات خواجه نصیر طوسی را نزد وی خوانده است درس او را با روح تر و پرورنده تر دانسته و درباره وی می‌گوید: «... آن وقت ها هم ما از مدرسه مروی تا خیابان خراسان - منزل آقای الهی - را به ناچار پیاده می‌پیمودیم و از چهار راه سیروس که آن وقت ها سه راه بود، ناچار بودیم از مسیر محله «عودلاجان» پیاده برویم.... بین نماز مغرب و نماز عشاء، اشارات تدریس می‌نمودند و اصرار داشتند نمازشان در اول وقت شرعی اقامه گردد.» (جوادی‌آملی ۱۳۶۴: ۶).

آیت‌الله جوادی‌آملی شیوه الهی قمشه‌ای را تدریس مسائل اعتقادی و الهی و شناخت نفس اشارات بین نماز مغرب و عشا به عنوان تعقیبات نماز در منزل به جهت تدریس هنگام روز در دانشگاه معرفی می‌کند (جوادی‌آملی ۱۳۶۴: ۵). تفسیر قرآن درس دیگری بود که الهی قمشه‌ای در شب‌های جمعه با حضور جوادی‌آملی تدریس می‌کرد. درسی که جوادی با شیرینی زایدالوصفی از آن یاد می‌کند. «درس دیگری که از محضر مرحوم الهی قمشه‌ای فرا گرفتیم، تفسیر قرآن بود زیرا پس از آن که ایشان بخش عرفان اشارات (نمط‌های نهم و دهم) را در شب‌های تعطیلی درس می‌گفتند، شب‌های جمعه را به

درس تفسیر اختصاص دادند، که عده ای از اهل معرفت در محضرشان جمع می شدند و ایشان درس تفسیر می گفتند. توفیق حضور در این جلسه نیز نصیب ما شد و ما هم شرکت می کردیم.» (جوادی آملی ۱۳۸۷: ب: ۶۹).

برخی از تاثیرات و نکته های برگرفته از الهی قمشه ای عبارتند از: فاعل بالعشق دانستن خداوند (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ج. ۲-۴: ۹۶) آیه «أَلَا مَا شَاءَ رَبُّكَ» نشانه زوال فیض نیست، بلکه نشانه تأکید بر قدرت است (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۲۱۲) تبیین مقام رضا در آیات کل شیء هالک إِلَّا وجهه، کل من علیها فان و یبقی وجه ربك ذوالجلال و الإکرام و تطبیق آن با سیدالشهدا (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۲۴۶)

ج) اساتید قم

۱. علامه طباطبایی (۱۲۸۱-۱۳۶۰):

آیت الله جوادی آملی بیشترین بهره علمی در تفسیر و کلام و فلسفه را از سید محمدحسین طباطبایی معروف به علامه طباطبایی مفسر، فیلسوف، اصولی، فقیه، عارف و اسلام شناس ایرانی (ر.ک: دانشگاه تبریز، ۱۳۶۸؛ خسروپناه ۱۳۹۰. همایش ملی مبانی و روش تفسیری علامه طباطبایی، ۱۳۹۲. کلباسی، ۱۳۹۶) برده است. علامه طباطبایی از روحانیون تأثیرگذار شیعه در فضای فکری و مذهبی ایران در دوران معاصر است که در حوزه علمیه قم به جای اشتغال به فقه و اصول، درس تفسیر قرآن و فلسفه برقرار کرد. این کار او موجب رونق دانش تفسیر در حوزه علمیه قم شد. روش تفسیری او تفسیر قرآن به قرآن بود. در دوران تعطیلی درس فلسفه، با برقراری جلسات هفتگی با شاگردان خاص خود تدریس مبانی فلسفی ملاصدرا و حکمت متعالیه را ادامه داد. علامه در ۱۳۰۴ رهسپار نجف شد و فقه و اصول را نزد استادان معروف "نائینی" و "کمپانی"؛ فلسفه را نزد "سید حسین بادکوبی"؛ ریاضیات را نزد "آقا سید ابوالقاسم خوانساری" و اخلاق و عرفان را در محضر "میرزا علی قاضی" تلمذ کرد.

«توجه به جهان اطراف» و بررسی «وضعیت حال و آینده» از نشانه‌های بارز علامه طباطبایی است. ایشان در سال‌های دهه ۲۰ و ۳۰ نقش حساس در هدایت جامعه داشت. با هجوم شبهات دشمنان، سلاح قلم بدست گرفته و فلسفه مادی و افکار غربی را پوچ و بی‌مقدار جلوه داد. پس از رحلت آیت‌الله بروجردی «حکومت اسلامی» موضوع درس وی گردید و مقالاتی در این زمینه نگاشت و در آن‌ها توانایی حکومت اسلامی را در اداره جامعه اثبات کرد.

آیت‌الله جوادی‌آملی در ۶۵۸ مورد نام علامه طباطبایی را آورده و از وی تجلیل نموده است (جوادی‌آملی، نرم افزار تسنیم). بیشترین انس علمی جوادی‌آملی با علامه طباطبایی بوده و وی در طول بیش از بیست و پنج سال از بدو ورود به حوزه علمیه قم تا آخرین لحظات زندگی علامه همه جا در جلسات عمومی، که تدریس سطح اسفار، شفا، منطق، عرفان بوده و نیز در جلسات خصوصی او که درس خارج الهیات و فلسفه و تفسیر بوده است، شرکت داشته است (جوادی‌آملی ۱۳۸۷: ۱۳۴). آیت‌الله جوادی‌آملی در درس خارج اسفار ملاحظه کرد که محصول آن دو کتاب *بدایة الحکمة و نہایة الحکمة* است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۱۱۷) درس تمهید القواعد ابن ترکه در شب‌های پنجشنبه و جمعه؛ درس مبحث معاد کتاب اسفار که هر روز عصر به صورت سیار در خانه‌های شاگردان محفلی برگزار می‌شده؛ درس چند جلد از *بحار الأنوار*؛ درس شرح ابیات حافظ (گاهی اوقات)، و سپس تفسیر قرآن شرکت داشته است.

آن گونه درس خصوصی طباطبایی برای جوادی پرجاذبه بوده است که وی به صراحت بیان می‌دارد که پس از ورود به جلسات و درس‌های خصوصی علامه، کم‌کم فهمیدم که تازه ابتدای درس خواندن است (جوادی‌آملی ۱۳۸۷: ۱۲۷). وی دیگران را مدرس، ولی علامه طباطبایی را حکیم و فیلسوف واقعی و مبتکر می‌خواند. از نظر جوادی علامه

در چند جهت، استادی ممتاز بوده است؛ در تبیین سخنان و نظرات حکما و فیلسوفان، و تبیین پیام حکمت؛ در تحلیل مدعیات حکمت؛ در حمایت و دفاع از معارف فلسفی، در شاگردپروری و در نوآوری فرعی در فلسفه و اصلی در تفسیر قرآن (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ب: ۱۲۷). از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی علامه مانند صدر المتألهین می‌کوشید تا منطق را در خدمت فلسفه قرار دهد و نیز فلسفه را تکمیل و به عرفان نزدیک کند؛ آن‌گاه برهان و عرفان را به خدمت قرآن ببرد (جوادی آملی ۱۳۸۳: ۱۳۲).

وی علامه طباطبایی را جزء احیاگران علوم الهی، دارای جامعیت در روش‌های گوناگون تجربی و عقلی و نقلی و شهودی، انسان کامل، شارح مبتکر در ادراکات اعتباری، جامع معقول و منقول و مشهود؛ و جامع بین تنزیه و تشبیه که «بعد از صد سال یا دویست سال باید سخنان ایشان فهمیده شود» می‌نامد (جوادی آملی، ۱۳۹۳). ایشان در پیامی چنین می‌نویسد:

«علامه طباطبایی جمع کرد بین سرشت عقل و سرنوشت تعبّد؛ عقل او در بین جوامع بشری و عادی یک عقل کامل، تعبّدش صد درصد و محض بود.... اینکه می‌بینید بعضی‌ها گفتند بعد از صد سال یا دویست سال باید سخنان ایشان فهمیده شود سخن گزافی نگفتند، این هم یکی از کارهای بزرگ و بزرگوارانه این جامع بین معقول و مشهود بود ...» (جوادی آملی، ۱۳۹۳).

نکاتی مانند اقتدا به تفسیر قرآن به قرآن، نهی از تفسیر به رأی قرآن، ناظر به طریق کشف است، نه مکشوف (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج. ۱: ۲۲۳)، عدم ملازمه روش تفسیر قرآن به قرآن با یکسانی پیامبر با سایر مردم یا بی‌نیازی و استقلال مردم در علوم قرآن از معصوم (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج. ۱: ۲۳۰) تعلیم اسماء به آدم علیه السلام به غیر طریق مرسوم و دلایل آن (جوادی آملی، ۱۳۷۸ ج. ۱: ۲۳۰)؛ نعمت بدون قید در قرآن، به معنای نعمت ولایت (جوادی آملی، ۱۳۸۳،

ج. ۴: ص. ۴۵)، دعوت مخفیانه، فراخوانی آشکار و دفاع، سیره پیامبر در برخورد با بیگانگان (جوادی‌آملی، ۱۳۸۵، ج. ۹، ص. ۵۸۳)، محکم بودن سراسر قرآن (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷، ج. ۱۳، ص. ۱۲۸)، بستگی منافع جوامع بشری به رعایت همه‌جانبه حق و پافشاری بر حفظ حق در هر شرایطی (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸، ص. ۱۵۵)، استخدامی بودن انسان و مدنی بالطبع نبودن وی، و توحش طبعی و تدین فطری انسان (جوادی‌آملی، ۱۳۸۶، ص. ۳۸۳) از زمره تأثیرات طباطبایی بر جوادی‌آملی است.

۲. امام خمینی (۱۲۸۱-۱۳۶۸ ش)

امام خمینی پس از ورود آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی (نوروز ۱۳۰۰ ش) به قم رهسپار حوزه علمیه قم گردید و به سرعت مراحل تحصیلی را گذراند. وی تتمه مباحث کتاب مطوّل (در علم معانی و بیان) را نزد آقا میرزا محمدعلی ادیب تهرانی، تکمیل دروس سطح را پیش آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سیدعلی یشربی کاشانی و دروس خارج فقه و اصول را در درس حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی دنبال کرد. او همزمان به فراگیری ریاضیات و هیئت و فلسفه نزد سیدابوالحسن رفیعی قزوینی، علوم معنوی و عرفانی نزد آقامیرزا علی‌اکبر حکیمی یزدی و عروض و قوافی و فلسفه اسلامی و فلسفه غرب را نزد آقاشیخ محمدرضا مسجدشاهی اصفهانی و اخلاق و عرفان را نزد آیت‌الله میرزا جواد ملکی تبریزی و عالی‌ترین سطوح عرفان‌نظری و عملی را به مدت شش سال نزد مرحوم آیت‌الله میرزا محمدعلی شاه‌آبادی پرداخت. تالیفات امام از مسائل عقلی آغاز گردیده و در زمینه اخلاقیات، فقه و اصول ادامه یافته است. که برخی از آن‌ها عبارتند از: اسرارالصلوه، کشف اسرار، شرح حدیث جنود عقل و جهل، آداب‌الصلوه، تحریرالوسیله، حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، مبارزه با نفس یا جهاد اکبر. از ابتکارات ایشان ولایت مطلقه فقیه، نقش زمان و مکان در اجتهاد، جواز بازی با شطرنج

و تاسیس مجمع تشخیص مصلحت را می‌توان نام برد.

آیت‌الله جوادی آملی در ۳۳۵ مورد نام امام خمینی را در آثارش برده و تجلیل و تحلیل نموده است. با ورود جوادی به قم او که دروس سطح را در آمل و تهران گذرانده بود یکسره پای در دروس خارج می‌گذارد و به دنبال اساتید برجسته می‌گردد. او در درس های فقه و اصول امام هم شرکت می‌کند اما درس اصول را قوی‌تر می‌بیند و حضورش در فقه امام دوامی نمی‌یابد. جوادی بحث اصول امام، را مجمع فضلا می‌خواند و از روش متقن و تحلیل فولادین استادش تمجید می‌کند. تحلیل وی از درس اصول بر آن است که چون امام خود حکیمی قوی و عارفی نیرومند بود مسائل اصولی را که جزو علوم اعتباری است و با قواعد عقلا و امور عرفی آمیخته است، آن چنان فولادین تحلیل می‌کرد که نمی‌گذاشت از مقدار لازم برهانی که در محدوده علوم اعتباری مؤثر است پایین‌تر بیاید و مسائل را با اوهام صرف اعتباریات نمی‌آمیخت (جوادی آملی ۱۳۷۸: ۴۳).

وی درس امام را مهم‌ترین و رسمی‌ترین درس، پس از مرحوم آیه الله العظمی بروجردی دانسته (جوادی آملی ۱۳۸۳: ۱۶۵). و روش شاگردپروری و نگاه علمی - اجتماعی امام را مبتنی بر آزاد اندیشی، استقلال فکری، فولاد منشی و روحیه سرشار از لطافت و بزرگواری و دید و تفکر حکیمانه توصیف نموده که شاگردان را آزاد و مستقل بار آورده و همانند خود از انس با عوام و تحصیل در آمدهای دنیایی از راه ارتباط با عوام پرهیز می‌داده و همین امر که بر خلاف رویه رایج بوده موجب علاقه شاگردان می‌شده است (جوادی آملی، ۱۳۶۴: ۵). از این رو است که داوری او را در این جمله می‌توان دریافت. «امام، قرآن مهجور را قرآن مشهور کرد، سنت مستور را سنت مشهور کرد، دین مهجور را دین مأنوس کرد، احکام الهی را با حکم الهی یکجا آشنا و معروف کرد و پیاده نمود.» (جوادی آملی،

نمونه‌ای از تأثیر‌گذاری امام‌خمينی بر آیت‌الله جوادی‌آملی در مباحث کلامی که خود روایت کرده است مبحث تحریف قرآن است که در درس اصول، نظر آخوند خراسانی را که معتقد است در قرآن درباره برخی از مسائل مربوط به امامت و ولایت تحریفی رخ داده است؛ زیرا اعتبار مساعد با آن است؛ ولی در فروع دین و احکام فقهی، داعی بر چنین تحریفی نبوده است به شدت نقد نموده و با استدلال‌های گوناگون آن را رد می‌نماید (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳: ۱۶۴).

اولویت حفظ نظام اسلامی (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۲۶۱)، اسلام‌شناسی و تحلیل معارف و احکام اسلام به مثابه دلیل اصلی ولایت فقیه، بدیهی بودن ولایت فقیه (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۴۴۳)، جامعیت دین به مثابه جامعیت عقل و نقل، ابطال نظریه «دین حداقلی» و نفی نظریه «انحصار نقلی» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۵: ۲۲۹) از دیگر تأثیرات خمينی بر آیت‌الله جوادی‌آملی است.

۳. آیت‌الله سیدمحمد محقق داماد (۱۲۸۶ - ۱۳۴۷)

سیدمحمد محقق داماد از اساتیدی است که تأثیری جدی بر آیت‌الله جوادی‌آملی داشته است. وی داماد شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه علمیه قم بود و به همین دلیل لقب داماد را به او دادند. سیدمحمد محقق داماد در احمدآباد اردکان یزد به دنیا آمد. پدرش قبل از تولد او برای زیارت به عتبات عالیات رفته و در همین سفر درگذشت. در شش سالگی مادرش را نیز از دست داد (عقیقی بخشایشی، ۱۴۰۱).

محقق داماد پس از تحصیل علوم مقدماتی در اردکان راهی شهر یزد شد. در حوزه یزد در درس اساتید حاضر شد و بعد از اقامت نه ساله در یزد، بنا به پیشنهاد شیخ غلامرضا یزدی در سال ۱۳۴۱ ق در سن ۱۶ سالگی به قم نقل مکان کرد و در درس اساتید حوزه علمیه قم از قبیل میر سیدعلی کاشانی، سیدمحمدتقی خوانساری، میرزاحمد همدانی، سیدمحمد حجت کوه‌کمری و عبدالکریم حائری یزدی شرکت کرد.

در زمان مرجعیت آیت‌الله بروجردی، داماد جزو ممتحنین حوزه بود که از طلاب امتحان شفاهی می‌گرفت. وی در طول سه دهه تدریس در حوزه قم و با وجود بیان دشوار و محتوای سنگینی که در درس وی وجود داشت، به یکی از شاگردپرورترین استادان تاریخ حوزه قم بدل شد. حاشیه بر عروة الوثقی به قلم خود او نگارش یافته است. ناصر مکارم شیرازی، عبدالله جوادی‌آملی، سیدجلال‌الدین طاهری اصفهانی، و محمد مؤمن، تقریر درس‌های او را نوشته‌اند. جوادی‌آملی، مباحث حج، صلوٰه، صوم، اعتکاف، خمس، و قسمت عمده زکات را تقریر کرده است.

بنا به گفته آیت‌الله جوادی‌آملی محقق داماد در عین اعتقاد به ملازمه دین و سیاست، از هرگونه فعالیت غیرعلمی پرهیز می‌کرده و همه وقت خود را مصروف تحقیق و تدریس کرده بود. تنها مباحثی که از وی در این زمینه نقل شده است حضور در جمع معترضین به تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در اوائل دهه چهل است (لاریجانی، ۱۳۷۷). آیت‌الله جوادی‌آملی در بدو ورود به قم پس از بررسی‌های مختلف و قوی نیافتن آن‌ها، درس فقه داماد را به جهت عدم پذیرش مسئولیت‌های غیر درسی قوی و مناسب می‌یابد و و به مدت ۱۲ سال، اکثر ابواب خارج فقه را از خارج زکات نزد او می‌خواند. (جوادی‌آملی ۱۳۶۴: ۵).

وی انتخاب درس محقق داماد را به دلیل جامعیت تدریس به واسطه درک عمیق از نصوص و روایات، دیدن مکتب درسی، درک محضر درسی اساتید، داشتن مناظره علمی و شاگرد پروری توانمند می‌داند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۱۳۷). وی بررسی همه‌جانبه روایات را از خصوصیت‌ها و ویژگی‌های بارز حوزه درسی محقق داماد می‌داند به نحوی که موجب ترجیح درس ایشان بر سایر درس‌ها و شک در اجتهاد بعضی از اساتید دیگر، توسط شاگردان می‌شد (جوادی‌آملی ۱۳۸۷: ۱۴۲). آیت‌الله جوادی‌آملی «قدر متیقن‌گیری» روی محتوا

و مضمون نه در مقام ظهور یا تخاطب را شیوه جمع بین روایات از سوی استاد خود معرفی می کند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ب: ۱۴۳)

آیت الله جوادی آملی از ولایتی بودن محقق داماد و تاثیر آن بر خود نقل هایی دارد. از جمله آن که هنگام خواندن روایتی که امام کاظم علیه السلام مجبور به خطاب کردن هارون با لقب امیر المؤمنین می شود منقلب شده، می گرید و می گوید: «کار به جایی رسید که امام علیه السلام باید به چنین فاسقی امیر المؤمنین بگوید.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج. ۶: ۲۱۲)

۴. آیت الله میرزا هاشم آملی (۱۲۷۸-۱۳۷۱ ش):

میرزا هاشم آملی لاریجانی، در روستای پردمه لاریجان در هفتاد کیلومتری شهر آمل، به دنیا آمد. او از شاگردان و ادامه دهنده روش اصولی آقاضیاء عراقی است که آراء استادش را در کتاب بدایع الافکار جمع آوری کرده است. میرزا هاشم در حوزه های علمیه تهران (مدرسه سپهسالار)، قم و نجف تحصیل کرد. از مهم ترین اساتید وی می توان به میرزای نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء عراقی، حائری یزدی، کوه کمره ای و شاه آبادی اشاره کرد.

در سیزده سالگی به تهران رفت و در مدرسه سپهسالار - که زیر نظر سید حسن مدرس اداره می شد - مشغول تحصیل شد و مورد توجه وی قرار گرفت و دوازده سال در این مدرسه ماند. میرزا محمدرضا فقیه لاریجانی، سید محمد تنکابنی، میرزا ابوالحسن شعرانی و محمدعلی شاه آبادی و... از استادان وی در این مدت بودند. در سال ۱۳۰۵ به قم رفت. او در آنجا در درس حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، محمدعلی شاه آبادی و محمدعلی حائری قمی حاضر شد و در مدت شش سال از آنان بهره برد. وی در این مدت دروس فقه، اصول، رجال، حدیث، فلسفه و عرفان را فرا گرفت.

وی در سال ۱۳۱۱ ش، پس از به دست آوردن توانایی اجتهاد به نجف مهاجرت کرد. در این مدت در درس فقه و اصول سید ابوالحسن اصفهانی، محمدحسین غروی نائینی و آقا ضیاء عراقی شرکت کرد. در این مدت، مورد توجه آقا ضیاء قرار گرفت و به جلسه استفتای او راه یافت و در نگارش حاشیه دوم وی بر عروة الوثقی نقش بسزایی داشت. او در سال ۱۳۴۱/۱۳۸۱ به ایران بازگشت و در قم به تدریس فقه و اصول پرداخت. وی دارای ۱۱ عنوان تالیف و ۶ کتاب تقریری توسط شاگردان است. او در مقاطعی با انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی همراهی داشته است.

آیت‌الله جوادی آملی نزدیک پنج سال در درس خارج فقه میرزا هاشم آملی شرکت می‌کند. سال‌هایی که او آن را پربرکت به جهت پرمحتوایی و عمق می‌خواند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۵۳). وی علت پرمحتوایی را علاوه بر شاگردپروری و گرمی ارتباط تا سرحد همبستگی، تازگی مطالب و انتقال عصاره سخنان آقا ضیاء عراقی و نایینی و تلاش برای معرفی حوزه نجف می‌داند که برای طلبه‌های قم شنیدنی و قابل استفاده بوده است. وی در این باره می‌گوید: «درس ایشان... برای ما پر برکت و سودمند بود که ما نیز کوشش می‌کردیم همه مطالب درس ایشان را تقریر و تدوین و به محضر ایشان تقدیم کنیم و ایشان نیز با کمال بزرگواری و گشاده‌رویی تقریرات را می‌دیدند. اگر اختلاف نظری بود در جلسه خصوصی آن اختلاف نظر مجدداً مطرح می‌شد و درباره آن بحث می‌شد و پس از جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی، یا اصلاح یا دوباره تدوین و بازنویسی می‌شد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۵۳).

نتیجه‌گیری

در قالب روش اسکینر تاثیر اساتید و آموزگاران بر اندیشه افراد از سویی به جهت محتوای تاثیرگذاری ذهنی است و از سوی دیگر به جهت عاملان تاثیرگذاری شاید عینی هم تلقی شود. از این رو می‌توان آن را ذهنی-عینی هم انگاشت. اگرچه در این جا به جهت

پررنگ‌تر بودن فضای ذهنی آن را مجموعاً در این رسته قلمداد می‌کنیم. آموزگاران و اساتید در همه جا و همه وقت سهم عمده و اساسی در تکوین ابعاد مختلف شخصیت انسان‌ها دارند. این مساله درباره آیت‌الله جوادی‌آملی که خود تقریباً به تفصیل از اساتید خود و نقششان سخن رانده است به شکلی مضاعف صدق می‌کند. اساتید جوادی بنابر سنت حوزوی هم در پرورش علمی و هم در تربیت نفسی او که به‌طور جامع آن را سیرت شخصی می‌نامیم موثر بوده‌اند. صداقت، شجاعت، تواضع، شوخ طبعی، حکمت، شور و اشتیاق و غمخواری صفات سیرت به عنوان جمع ویژگیهای اخلاقی است که با قوت و ضعف تشکیکی در اساتید وی نمایان بوده و بر همین منوال بدو منتقل شده است.

در میان اساتید آیت‌الله جوادی‌آملی، علامه طباطبایی و محمدتقی‌آملی آن گونه که در کلام وی هویداست بیشترین تأثیر علمی و شخصیتی همه‌جانبه و جامع بر وی داشته‌اند. الهی‌قمشه‌ای جوانه‌های گرایش به تفسیر قرآن را در وی پرورانده است. شعرانی گرایش‌اتش به کلام را تقویت کرده است. فاضل‌تونی فلسفه ورزی را در وجود او شعله‌ور ساخته است. امام خمینی علاوه بر اصول فقه، در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی و سیاسی برون‌گرای او موثر است. محقق داماد قوام فقهی او را برمی‌سازد و میرزاهاشم‌آملی آن را ورز می‌دهد.

در میان اساتید آیت‌الله جوادی‌آملی؛ محمدتقی‌آملی شاگردنگر فردی است که تنظیم دروس جوادی و در واقع سرپرستی علمی او را را عهده‌دار می‌شود. میرزا حسین فاضل‌تونی درس‌نگر علمی است که بر انتقال علم تأکید دارد. میرزا ابوالحسن شعرانی به نوعی شاگردنگر جمعی است که مجموع شاگردان و اعتلای فکری و روحیشان را مورد توجه قرار می‌دهد. آیت‌الله مهدی‌الهی قمشه‌ای را شاید بتوان درس‌نگر فلسفی محسوب

داشت که افراد را شیفته خود و معلوماتش می سازد. امام خمینی نیز درس نگر فلسفی است که منش و نگرشش شاگردان را مجذوب می سازد. علامه طباطبایی توأمان هم شاگردنکر جمعی و هم درس نگر فلسفی است که هم شاگردپرور است و هم بینش خود را در عمق وجود آنان مستولی می سازد. سید محمد محقق داماد در رسته شاگردنکر جمعی قابل تحلیل است. میرزا هاشم آملی نیز شاگردنکر فردی است که ارتباطات صمیمانه و دوستانه خاصی با جوادی آملی برقرار می سازد.



منابع

۱. اسپریگنز، توماس، (۱۳۷۷)، *فهم نظریه‌های سیاسی*، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: آگاه.
۲. اسکیز، کوئنتین، (۱۳۷۱)، *ماکیاولی*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران طرح نو.
۳. مدرسی. فرید (۱۳۸۷). *تاریخچه زندگی آیت‌الله شیخ عبدالله جوادی‌آملی*: منبع: شهروند تیر شماره ۵۵.
۴. اسکینر، کوئنتین، (۱۳۹۳)، *بینش‌های علم سیاست ترجمه مجیدی*، اول، تهران.
۵. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، (۱۳۸۵) *زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی آیت‌الله شیخ محمدتقی‌آملی*، ویراستار امید قنبری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۶. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، (۱۳۸۶)، *زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی علامه میرزا ابوالحسن شعرانی*، ویراستار امید قنبری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۷. آقائی، زینب [و دیگران] (۱۴۰۲) *تاثیر خودشناسی معلم بر کیفیت آموزش و پرورش*، تبریز: نشر یاکاموز.
۸. بلاشیر، ژوزف، (۱۳۸۰)، *گزیده هرمنوتیک معاصر*، ترجمه سعید جهانگیری، آبادان: پرستش.
۹. بلخاری، حسن، (۱۳۷۱)، *بطن متن*، تهران: افرا.
۱۰. پالمر، ریچارد (۱۳۷۷)، *علم هرمنوتیک*، ترجمه سعید حنایی کاشانی، تهران: شهر کتاب.
۱۱. تولی، جیمز (۱۳۸۴)، *قلم شمشیری می‌توان است*، ترجمه غلامرضا بهروزک، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۲۸.
۱۲. جاوید، فرهنگ، (۱۳۹۳)، *بنیادهای اندیشه سیاسی مدرن*، ترجمه فیروزمند، تهران: آگه.
۱۳. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، *توحید در قرآن*. تحقیق: حیدرعلی ایوبی، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۴. _____ (۱۳۹۷)، *مبادی اخلاق در قرآن*، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱۰، تنظیم: حسین شفیعی، قم: مرکز نشر اسراء.

۱۵. _____ (۱۳۸۶) تفسیر انسان به انسان نظریه جدید پیرامون معرفت شناسی انسان، تحقیق: محمدحسین الهی زاده، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۶. _____ (۱۳۸۷الف)، سروش هدایت، جلد ۴ تحقیق و تنظیم کتاب سید محمود صادقی قم: مرکز نشر اسراء،
۱۷. _____ (۱۳۸۷ب)، مهر استاد، سیره علمی و عملی استاد جوادی آملی (دام ظلّه)، چاپ چهارم، قم: اسراء.
۱۸. _____ نرم/فزار تسنیم، آثار آیت الله جوادی آملی.
۱۹. _____ (۱۳۷۶)، رحیق مختوم: شرح حکمت متعالیه، حمید پارسانیا، اسراء.
۲۰. _____ (۱۳۷۸)، بنیان مرصوص امام خمینی (ره)، چاپ دوم، قم: اسراء.
۲۱. _____ (۱۳۹۳)، پیام آیت الله جوادی آملی به همایش بین المللی "اندیشه‌های علامه طباطبایی در تفسیر المیزان"، در <https://hawzah.net/fa/News/View/98358>
۲۲. _____ (۱۳۶۴)، مصاحبه با کیهان فرهنگی، کیهان فرهنگی، شماره ۹، آذر.
۲۳. _____ (۱۳۷۵) فلسفه حقوق بشر، قم: اسراء.
۲۴. _____ (۱۳۷۹) تسنیم: تفسیر قرآن کریم، مرکز نشر اسراء
۲۵. _____ (۱۳۸۸) روابط بین الملل در اسلام. اسراء،
۲۶. _____ (۱۳۸۶)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، واعظی، احمد، محقق: شفیعی، حسین.
۲۷. _____ (۱۳۷۷) شریعت در آینه معرفت، اسراء.
۲۸. حاجی زاد، محمد (۱۳۹۰)، مقایسه مهارت‌های حرفه‌ای معلمان دروس علوم پایه و علوم انسانی دوره راهنمایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۹. حسن زاده رمضان، سمیرا فرزانه، و عزیز خادم‌لو (۱۳۹۳). شخصیت. نظریه‌ها و کاربرد آزمون‌های روان‌شناختی، تهران: ارسباران

۳۰. حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۷۵)، *در آسمان معرفت*، تهران. بی نا.
۳۱. حسن زاده، صادق، (۱۳۸۰) در جستجوی استاد: شرح حال و درسهای اخلاق حضرت آیت الله العظمی آقا شیخ محمد تقی آملی رحمه الله، قم: آل علی (ع).
۳۲. حسینی، سیده اعظم؛ پویا منش، جعفر؛ جعفری، علیرضا؛ اثربخشی تدریس به روش یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت های اجتماعی دانش آموزان، *مجله علوم رفتاری (ابهر)*، زمستان ۱۳۹۵ - شماره ۳.
۳۳. خسروپناه عبدالحسین (۱۳۹۰) *علامه طباطبائی، فیلسوف علوم انسانی-اسلامی*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۴. _____ (۱۳۹۰) *اندیشه نامه ی علامه شعرانی*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۵. خلیلی، مصطفی، (۱۳۹۱) *حکیم اخلاقی: سیری در زندگی حکیم فقیه آیت الله العظمی شیخ محمد تقی آملی*، تهیه گروه اخلاق پژوهشکده علوم و حیانی معارج. قم: اسراء،
۳۶. خوانساری، محمد، (۱۳۴۱) *ترجمه احوال مرحوم فاضل*، در *مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران*، سال ۹، ش ۳، فروردین.
۳۷. دهدار، مجتبی، ستوان، صادق، و بلوچی، رضا. (۱۳۹۵). *بررسی تاثیر روش تدریس مشارکتی بر مهارت های اجتماعی. کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی*. SID. <https://sid.ir/paper/875610/fa>
۳۸. رفیعی، بهروز (۱۳۷۷) *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، جلد اول، تهران: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، سمت.
۳۹. روین، جان (۱۳۹۲) *شخصیت نظریه و پژوهش*. ترجمه محمد جعفر جوادی و پروین کدیور. تهران: نشر آبیژ (انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۱).
۴۰. سایت فرهیختگان تمدن شیعی، عبدالله جوادی آملی.

۴۱. سلمان، محمد، (۱۳۹۹) اندیشه سیاسی علامه میرزا ابوالحسن شعرانی، تهیه پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی. قم: موسسه بوستان کتاب.
۴۲. سلیقه دار لایلا (۱۳۹۹) شخصی سازی در بسته یادگیری ۲۰/۰۳/۱۳۹۹؛
<https://samanketab.roshdmag.ir/fa/article/24333>
۴۳. سیستانی زاده، فرشته، و محتشم نیا، مهدی. (۱۳۹۶). مقایسه اثربخشی دو روش تدریس پژوهش محور با محتوا محور بر مهارت های پژوهشی و اجتماعی دانش آموزان. همایش ملی پژوهش های های نوین در علوم و فناوری. SID. <https://sid.ir/paper/895345/fa>
۴۴. شریعتمداری، علی، (۱۳۸۵) روانشناسی تربیتی، ج ۱۸، تهران: امیرکبیر.
۴۵. شولتز، دوانپیو (۱۳۹۳) نظریه های شخصیت، ویراست دهم. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: نشر ویرایش. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۱۳)
۴۶. شهیدی، سیدجعفر (۱۳۹۱) نهج البلاغه، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۷. عابدی، یحیی، (۱۳۸۰) زندگینامه مرحوم آیه الله شیخ محمد تقی آملی، اثر انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۴۸. عباس تبار، رحمت؛ زارع پور نقیعی، محمد؛ (۱۳۹۸)، همگرایی عقل و سیاست در حکمت متعالیه جوادی آملی بر اساس نظریه هرمنوتیک اندیشه شناسانه اسکینر، انسان پژوهی دینی، پاییز و زمستان - شماره ۴۲ از ۲۰۱ تا ۲۱۹).
۴۹. عقیقی بخشایشی، (۱۴۰۱) سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «آیت الله حاج سید محمد محقق داماد»، تاریخ بازبایی ۳۱/۰۱/۱۴۰۱.
۵۰. غلامی، سمیه، (۱۴۰۲) تاثیر تربیت اخلاقی بر تفکر انتقادی معلمان، تهران: میعاد اندیشه.
۵۱. فروغی، محمد علی، (۱۳۶۶) ابن سینا، ترجمه فنون سماع طبعی، آسمان و جهان، کون و فساد از کتاب شفا، تهران، ج ۱، ص ۳.

۵۲. فقهی، حسین، (۱۳۸۰) در دیار صالحان: شرح زندگی و حالات معنوی عبد صالح، سالک ربانی، عابد و زاهد صمدانی مرحوم حاج مقدس تهرانی و عالم ربانی حکیم مثاله آیت... میرزا ابوالحسن شعرانی، تهران: جمهوری.
۵۳. فیست، جستو (۱۳۹۲) نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر روان. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۲).
۵۴. قاسمی‌خوبی، یعقوب (۱۳۸۲) ابوالحسن شعرانی نگهبان فرهنگ، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل: سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقرالعلوم.
۵۵. قوامی واعظ (بی تا) چهره درخشان از ریشه خانوادگی حجت‌الاسلام والمسلمین آیت‌الله آقای حاج میرزا ابوالحسن شعرانی، تهران، قوامی.
۵۶. کلباسی، حسین، (۱۳۹۶) سپهر مهر: زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی علامه سید محمدحسین طباطبائی، به کوشش حسین کلباسی‌اشتری. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران،
۵۷. کنگره سالانه بزرگداشت علامه طباطبائی (۱۳۶۸) یادنامه علامه طباطبائی: مقالات ارائه شده در کنگره سالانه بزرگداشت علامه طباطبائی و بررسی آثار و افکار ایشان در دانشگاه تبریز. تبریز: دانشگاه تبریز،
۵۸. گلشادی، آرزو، (۱۴۰۲) تأثیر رفتار معلم بر یادگیری دانش‌آموزان، گردآورنده آرزو گلشادی. تهران: گلشادی.
۵۹. لاریجانی، صادق (۱۳۷۷) آموزگار جاوید، به اهتمام، قم، نشر مرصاد <https://fa.wikifeqh.ir/>
۶۰. مجتبی زاده، علی، (۱۳۸۹). اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله جوادی‌آملی، دانشگاه باقرالعلوم، .
۶۱. محمودیان، زینب، (۱۳۹۹) آیت‌الله شیخ محمدتقی آملی جامع اخلاق و عرفان، تهران: شب‌های سپید،

۶۲. محیطی اردکانی، احمد (۱۳۹۲) سید محمد محقق داماد"، پایگاه اطلاع رسانی حوزه، بازیابی: ۷ اسفند.

۶۳. نجفی، محمد، نصرتی هشی، کمال، حاتمی، مصطفی، متقی، زهره. (۱۳۹۴). تأثیر سیرت نیکوی استادان و مؤلفه‌های آن بر انگیزش تحصیلی دانشجویان دانشگاه اصفهان. رویکردهای نوین آموزشی، ۱۰(۱)، ۲۲-۱.

۶۴. واعظی، احمد، (۱۳۸۳). درآمدی بر هرمنوتیک، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.

۶۵. الهامی، حمیدرضا، میرهاشمی، مالک، شریفی، حسن پاشا. (۱۴۰۱). نقش صفات شخصیتی در موفقیت حرفه ای معلمان. پژوهش اجتماعی. ۱۴(۵۶)، ۴۳-۵.

۶۶. همایش ملی مبانی و روش تفسیری علامه طباطبائی، (۱۳۹۲) مبانی و روش تفسیری علامه طباطبائی (ره)، گفت و گوها؛ به کوشش امیررضا اشرفی. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

67. Zenger, J. & Joseph, F. (2004). The handbook for leaders, First Edition Barker, C. & Coy, R. (2003).

The 7 heavenly virtues of leadership, Sydney Management Today Series, McGraw-Hill

68. Brody, S & Siegel, M. (2001). The evolution of character, First Edition Madison, CT: International Universities Press, Inc

69. Harder, P. (2008). Character assassination- bloodless murder, viewable, at www.newhope.bc.ca

70. Maxwell, J. (2005). Communicating with character, viewable, at: www

71. Peterson, C. & Seligman, M. (2004). Character strengths and virtues: A handbook and classification, First Edition, Oxford University Press